

بازتاب ارتحال امام خمینی و بسترهای آن در افغانستان

□ حسین صالحی مالستانی

مقدمه

امام خمینی، نامی آشنا، نه تنها برای ایرانیان بلکه برای همه مردم در جهان معاصر است. متفاوت بروز یافتن وی، معلول شخصیت جامع و جامعیت علمی و عملی ایشان است. امام خمینی در علوم مختلف عقلی با تعقل و تفکر عمیق وارد گردید که دستور قرآن و آموزه های دینی است و در علوم نقلی نیز با تحقیق وارد بحث شده و نقادانه به تدقیق پرداخت. وی با آن که متخصص در علوم و فنون مختلف بود، هیچگاه دچار غرور علمی نشد و هرگز به فضل فروشی آلوده نگردید. برای آن که در منظومه فکری و شخصیتی امام روح توحید حاکم بود و او همه چیز را برای رسیدن به حق جستجو می کرد، چه در عالم اندیشه ورزی و علم آموزی و چه در عرصه اخلاق و عرفان و چه در صحنه سیاست و مسائل اجتماعی و خلاصه در تمامی عرصه ها و زاویه های زیست فردی و اجتماعی امام، روح توحید و معرفت انسان و خدا حاکم بود و همین نکته از او یک شخصیت متفاوت و اثرگذار، با رنگ الهی شکل داد و به مثابه یک پارادایم، در دنیای معاصر جلوه کرد. انسان های بسیاری از گوشه و کنار دنیا شیفته و شیدای او شدند، به گونه ای که هر متدین، هر مظلوم و ستم دیده، هر آزاده و عدالت خواه و هر انسان با غیرت، نسبت به او عشق ورزیده به وجودش افتخار می کرد. از جمله کسانی که مصداق مطلب یادشده بودند و هستند، ملت ستم ستیز و متدین افغانستان بخصوص شیعیان مخلص آن کشور است که در طول حیات امام، علیرغم تنهایی و تبعید های پی در پی او، با زحمات طاقت فرسا، مالیات اسلامی (سهمین) را از



□ حرکت و قیام امام خمینی را امروز به طور ملموس تر می توان فهمید، تفسیر کرد و از فریادهایش علیه بیداد، درسهای نو آموخت

□ امام خمینی با نگاه جامع و همه جانبه به دین و استفاده از عقل و نقل و افتخار برخوردار از علوم معقول و منقول، متفاوت از دیگران، جهان پیرامونش را متحول کرد

افغانستان به عراق، خدمت امام به عنوان مرجع تقلید شان می رساندند. علمای مجاهدی چون شهید مزاری و امثال او، بار این خطر را بر دوش می کشیدند و از آن طرف کتابهای امام را که در آن زمان خطرناک ترین محموله به حساب می آمد و احتمال داشت به قیمت جان حاملش تمام شود، به مقصد ایران و افغانستان حمل می کردند. این خطر کردن ها در اثر اخلاص و اثر گذاری معنوی امام بر آنان بود. روی همین جهت با شنیدن بیماری امام، مردم متدین افغانستان در حسینیه ها و مساجد برای شفای وی از بن جان دعا کردند و به دنبال نماز های شان مداوم طول عمرش را از خدا خواستند و باشنیدن خبر ارتحالش به طور خود جوش، کار و کاسبی را تعطیل کرده، حسینیه ها و مساجد را در شهر و روستاها مملو از جمعیت نموده، با اشک و زاری مانند پدر از دست داده بلکه شدیدتر به عزا داری پرداختند و گاوها و گوسفندهای فراوانی را برای خوشنودی روح امام راحل نذر و ذبح کردند و خیرات نمودند و از او به طور بی سابقه تجلیل به عمل آوردند. در این مقاله گوشه هایی از تأثیر امام خمینی در افغانستان و بسترها و برخی از زمینه های عشق و علاقه مردم به وی را بررسی می نمایم تا روشن شود که امام چرا و چگونه دل های مردم را در دور دست ترین روستاهای این کشور، شیفته و شیدای خود کرده بود.

خمینی، آشنا ترین نام در قرن معاصر

خمینی نام سبز عاطفه هاست؛ سرود بی رنگ رایحه هاست، هر روز روز اوست و هر سال، سالنامه دیگر می توان نوشت (آینه پژوهش / ۷۹ / سرمقاله ص ۱) و سخن نو پیرامون شخصیت و زوایای زندگی او را در دفتر و دیوان ثبت کرد و از تکرار نامش لذت برد، بخصوص در سال جاری

(۱۳۹۰ ش) که بیداری اسلامی و قیام علیه تمامیت خواهی و دیکتاتوری و نظام غیر انسانی سلطنتی، جهان اسلام را فراگرفته و شیعه و سنی هماهنگ و همدل علیه ستم و جرثومه های طاغوت، دست به قیام جمعی زده اند. به نظر می رسد که حرکت و قیام امام خمینی را امروز به طور ملموس تر می توان فهمید، تفسیر کرد و از فریادهایش علیه بیداد، درسهای نو آموخت. باید بر حفظ آراء و اندیشه اش به طور جامع، معقول و منطقی کوشید و از انحراف راه و اندیشه اش جلوگیری کرد و از هرگونه افراط و اغراق و تفریط و تحجر که دو جبهه مهم نبرد فکری امام را شکل می داد، دوری کرد.

امام خمینی را همه می شناسند، اما از زاویه های متفاوت؛ کسانی محضرش را درک کرده و کسانی اندیشه اش را مورد پژوهش قرار داده اند و کسانی هم از دریچه رسانه، نسبت به او مطالبی را خوانده و یا شنیده اند. نوع برداشت ها و نگاه ها نسبت به او، همانند هر شخصیت برجسته دیگر، از زاویه ها و پیش فرض هایی متفاوت مایه گرفته و متفاوت است. در این میان، بهترین نگاه به شخصیت امام، همان است که او خود، به اسلام و کلیت دین، داشت؛ نگاه جامع، و همه جانبه، و همه دین و معارف را، با تمامی ابعاد و زوایای آن دیدن، و این نوع نگاه، بن مایه امتیاز او از امثالش بود، و او با این نوع نگاه جامع و همه جانبه به دین و استفاده از عقل و نقل، و افتخار بر خوردهای از علوم معقول و منقول، متفاوت از دیگران، جهان پیرامونش را متحول کرد، و نکته محبوبیت جهانی او نیز در همین جامعیت شخصیت و جامعیت نگاهش به مجموعه دین و مسائل دینداران و رابطه انسان با خدا، نهفته بود. از جمله کسانی که از راه دور، بدون آن که او را دیده باشند، به او عشق ورزیدند و شیفته رفتار و گفتارش گشتند و در زوایای مختلف زندگی، آن عشق و شیدایی را نشان دادند، مردم مظلوم و متدین افغانستان بخصوص شیعیان مخلص آن سامان و رهبران جهادی آن بود که با عشق و امید علیه ارتش سرخ شوروی سابق، جانانه قیام و ظفر مندانه دشمن را با ذلت و خواری وادار به شکست و فروپاشی کردند و بر تحقق پیش بینی امام، کمک نمودند. آنان به هر بهانه ای از نام خمینی دم زدند و یاد او را در دل های بچه هایشان نیز زنده کردند و چه بسا کودکانی را با نام «روح الله» به یاد و نام امام به یادگار گذاشتند.



گذری بر جامعیت امام خمینی

خیلی‌ها امام خمینی را از دریچه نقش سیاسی و انقلابی او می‌شناسند، در حالی که امام خمینی، شخصیت جامع و در عرصه‌های عرفان و اخلاق و فلسفه و فقه و اصول نیز سرآمد بود، چنانکه سید علی خمینی، نوه محبوب امام، جامعیت وی را در مقاله‌ای تحت عنوان هفت امام، هفت جلوه علمی امام، ترسیم نموده است؛ با سرفصل‌های:

الف) امام فقیه؛ ب) امام اصولی؛ ج) امام فلسفی؛ د) امام عارف؛ ه) امام و اخلاق؛ و) امام و کلام؛ ز) امام و تفسیر.

البته ایشان در ذیل مقاله یاد آور گردیده است که شخصیت امام را در فضای حوزوی و فقط از این زاویه بررسی کرده است و مطالب بسیاری را پیرامون شخصیت امام در این زمینه در دسترهای دیگر قابل ذکر دانسته است. (مجله حضور: ویژه نامه سی سالگی انقلاب/ ۱۳ - ۱۷)

سرکار خانم دکتر طباطبایی، عروس امام، که مکاتبات عرفانی مهم، بین او و امام رد و بدل گردیده و به یادگار مانده است، در مقاله‌ای، شخصیت جامع و جامعیت شخصیت امام را در عرصه سیاست بررسی کرده و آن را مرهون ملکات مختلف اجتهادی امام در فقه و فلسفه و عرفان می‌داند. وی از شخصیت جامع و جامعیت شخصیت امام، سخن گفته و قدرت اجتهاد امام در علوم عقلی و نقلی را مرهون کثرت تعلیم و تعلم وی از سویی و تزکیه و تهذیب نفس از سوی دیگر دانسته است. ایشان فقه، اصول، اخلاق، و فلسفه و عرفان را، روایت‌ها و حکایت‌های مختلفی از سطوح و لایه‌های متعدد دین دانسته می‌گوید:

«پس می‌توان به صراحت حکم کرد که حضرت امام با آگاهی از همه این حکایت‌ها و روایت‌ها به نوعی درایت نسبت به سویه‌های مختلف دین دست یافته بودند». (همان/ ۱۰) در باره جامعیت او گفته اند:

«اندیشه‌های او در فقه، کاویدنی است، در فلسفه خواندنی است و در عرفان، ماندنی. تربیت عرفانی و آوازه اخلاقی او، رنگی دیگر به دفتر دانش زد و عقده‌های ناگشوده‌ای را که سر بسته مانده بود، به سرانگشت تدبیر عارفانه گشود. پیش از او، عرفان غلام زمین خورده‌ای را می‌ماند

که به گوشه ای خزیده و میدان را به رقیبان سپرده بود. پیش از او فلسفه، طعم داروی تلخی را داشت که نه معجزه می کرد و نه شفا می داد. پیش از او اخلاق، از منبر وعظ پایین نمی آمد و راه کوچه و بازار را پیش نمی گرفت، پیش از او سیاست، معامله گر دغل کاری بود که از مردم، جز لباس آنها را نمی دید و از لباس جز کلاه نمی شناخت». (آیین پژوهش، پیشین)

حضور امام در عرصه های یادشده، حضور مؤثری بود که از نظر جامعیت شخصیتی خویش، یک پارادایم را رقم زد. امروزه تحولات پیش بینی نشده در خاورمیانه و خیزش های حق طلبانه در کشور های اطراف نشان از تأثیر کارستان امام خمینی است؛ زیرا خیز برداشتن امام خمینی علیه بیداد و دیکتاتوری و تک صدایی و تحقیر خلق الله، چیزی نیست که کهنه شود و تاریخ مصرفش تمام گردد. امام همانگونه که با دیکتاتوری و تک صدایی مبارزه کرد، با تحجر و جمود و نشانه های جهل نیز به شدت درگیر گردید، نه مظاهر ستم را تحمل کرد و نه خود نمایی ها و مکرهای خرافه گرایی و تحمیق مردم را زیر پوشش دین، پذیرفت، بلکه راست قامت در برابر هرگونه افراط و تفریط که هر دو از مظاهر جهل و جمود است، ایستاد و مقاومت کرد. مجموعه صحیفه امام، گویای صادق مدعای فوق است.

احساس پیروزی ملت افغانستان از بازگشت ظفرمندانه امام خمینی

بازگشت امام خمینی به ایران و پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری ایشان در بهمن ماه ۱۳۵۷ نه تنها مردم ایران بلکه تمامی مسلمین جهان و تمامی آزادی خواهان را متأثر کرد و موجی از شادی کشورهای اسلامی را فرا گرفت. ملت مسلمان و ستمدیده افغانستان نیز با الهام از آموزه های دینی که آن روز از زبان شیوای امام خمینی شنیده می شد، دست به مبارزه علیه یک متجاوز تمامیت خواه زده، با امید بیشتر علیه ارتش سرخ و دست نشانده گانش مبارزه می کردند. جوانان مبارز افغانستان در اوایل انقلاب شعار الله اکبر خمینی رهبر سر می دادند و عکس های امام تزئین خانه های مردم در دورافتاده ترین نقاط و روستاهای آن کشور بود و تحریرالوسیله امام در کنار قرآن و مفاتیح قرار داشت. اکثر شیعیان افغانستان از امام خمینی تقلید داشتند و تاکنون نیز به اجازه برخی از مجتهدین حاضر، به تقلید از امام باقی مانده اند و تا راه شرعی باقی است حاضر نیستند دست از تقلید امام



□ امروزه تحولات پیش بینی نشده در خاورمیانه و خیزش های حق طلبانه در کشور های اطراف نشان از تأثیر کارستان امام خمینی است؛ زیرا خیز برداشتن امام خمینی علیه بیداد و دیکتاتوری و تک صدایی و تحقیر خلق الله، چیزی نیست که کهنه شود و تاریخ مصرف تمام گردد

بردارند و این نهایت علاقه مردم و بخصوص شیعیان افغانستان را به شخص امام(س) نشان می دهد.
ستم ستیزی و ظلم گریزی امام

از جمله ویژگی های شخصیتی امام و سیره عملی وی، ظلم ستیزی و مظلوم پروری است. ایشان مبارزه اش باستم و ستمگری را به مناسبت های مختلف یادآوری کرده و دیگران را نیز در این مسیر فرا خوانده است و اساسا مبارزات تمامی انبیا و اولیای الهی را با مظاهر ستم دانسته و بر تداوم خط آنان تأکید کرده و عملا در این مسیر گام بر داشته است.

روی همین مبنا، از مسائلی که در جذب خودکار مظلومین عالم، از جمله مردم ستم دیده افغانستان به امام خمینی تأثیر داشته است، مبارزه و قیام امام خمینی علیه ظالمان و ستم پیشگان بود و مردم مظلوم، بخصوص شیعیان افغانستان بیش از صد سال ستم شاهان وابسته به بیگانه را تحمل کرده، استخوان های آنان زیر بار ستم خرد شده بود. از آن جا که ستم ستیزی و ظلم گریزی از پدیده های فطری است و این پدیده آمیخته با خمیره وجودی انسان است، مردم مظلوم افغانستان و شیعیان آن کشور نیز امام خمینی را از همین جهت همراهی می کردند و آرزوهای آزادی طلبانه و عدالت خواهانه خود را در مبارزات و اهداف او متجلی می دیدند. در ادبیات امام خمینی واژه ظلم بیش از هزار و سیصد بار به کار رفته است و امام خمینی بر بیزاری از ظلم و ظالم سخن گفته است.
امام، ظلم ستیزی را الهام از مکتب سید الشهداء (ع) دانسته است. (صحیفه امام/ ۱۷/ ۵۲)

تجلیل از امام خمینی در افغانستان

مردم افغانستان چون با دولت کمونیستی درگیر جنگ بودند، همیشه رادیو ایران را گوش

می‌دادند. زمانی که خبر بستری شدن امام خمینی از رسانه‌ها شنیده شد. اوج رابطه عاطفی ملت افغانستان با امام راحل آشکار گردید. مردم به طور خودجوش؛ با حضور در حسینیه‌ها و مساجد برای سلامتی امام دعا و نذر می‌کردند.

اما وقتی خبر ارتحال امام خمینی از رادیو ایران و نیز از رادیو کابل پخش گردید، دسته‌های سوگواران در شهرهای کابل، مزار شریف، هرات، بامیان، غزنی، و مناطق مرکزی که اکثر شیعه مذهب و از مقلدان امام بودند به راه افتادند. جالب این‌جاست که در کابل که کمونیست‌ها حکومت می‌کردند، هزاران تن با حضور در خیابان‌های شهرهای تحت سلطه آن‌ها، چنان به عزاداری پرداختند که هیچ نیروی نتوانست مانع آنان شود. دولت کمونیستی این حرکت را بر نمی‌تابید و اگر می‌توانست قطعاً جلوی آن را می‌گرفت اما شور و شیدایی مردم نسبت به امام، دستگاه حکومتی را مبهوت و دچار سردرگمی کرده بود.

دکترنجیب‌الله رئیس جمهور وقت افغانستان که تا آن زمان رابطه خوبی با امام نداشت ناچار برای شرکت در مراسم تشییع پیکر امام اعلام آمادگی کرد و پیام تسلیت صادر کرد و با حضور در سفارت جمهوری اسلامی ایران در کابل، دفتر یادبود ارتحال امام را امضا کرد. (شاهد یاران، ش ۵۹، ص ۹).

ملت مسلمان و متدین افغانستان به خصوص شیعیان مخلص آن کشور نیز همانند همه مسلمین جهان؛ از ارتحال ملکوتی امام راحل به شدت متأثر گردیدند و برای جبران و جواب این تأثر شدید به طور بی‌سابقه و مثال‌زدنی از امام(ره) تجلیل به عمل آوردند، تجلیلی که فقط نمونه آن را در باره شهادت مظلومانه و افتخار آمیز شهید مزاری(ره)، از یاران صدیق و وکیل امام، می‌توان یافت؛ از جمله در ولسوالی (فرمانداری) مالستان و اطراف آن که صددرصد شیعه اثناعشری هستند از آن امام فرزانه به گونه‌ای تجلیل کردند که سابقه نداشته است. حسینیه‌ها به صرف شنیدن خبر ارتحال امام خمینی به طور خودجوش مملو از انسان‌های دل‌سوخته و ماتم‌زده گردید، در حالی که در آن فصل، شدت کار کشاورزی مردم آن سامان بود، ولی خبر ارتحال امام همه کارها را تعطیل کرد و مردم بدون تبلیغات حسینیه‌ها را مملو از جمعیت نمودند و به سخنان علما و خطیب‌ها که پیرامون



□ ملت مسلمان و ستمدیده افغانستان با الهام از آموزه‌های دینی که از زبان شیوای امام خمینی شنیده می‌شد، دست به مبارزه علیه یک متجاوز تمامیت‌خواه زده، با امید بیشتر علیه ارتش سرخ و دست‌نشانده‌هایش مبارزه می‌کردند

شخصیت امام صحبت می‌کردند گوش می‌دادند و اشک می‌ریختند. این شیفتگی و شیدایی مردم مربوط به همان جنبه تقوا و اخلاص امام خمینی و اهداف عالی او می‌گردد؛ زیرا مردم باور داشتند که امام خمینی تجسم آمال و آرزوهای دیرینه آنان است. از سوی دیگر جامعیت علمی و عملی امام خمینی نیز در این شیفتگی فراگیر، تأثیر جدی داشت. جامعیت وی ناشی از آن بود که ایشان در هر دو نحله معقول و منقول صاحب‌نظر و متخصص بود، نه تنها از نگاه علمی بلکه از نظر عملی نیز معتقد بود که باید حکمت نظری به حکمت عملی برگردد. (اردبیلی، تقریرات فلسفه، ۳/ ۳۴۲ - ۳۴۱)

والا انباشتن دانش، جدای از عمل، قیل و قال مدرسه‌ای بیش نخواهد بود که درباره اش سرود:
از قیل و قال مدرسه ام حاصلی نشد جز حرف دلخراش، پس از آن همه خروش
(دیوان امام / ۱۳۱)

امام، عارفانه، خروج از مدرسه و فنای در حق را جست و جو می‌کرد و حتی گذر از فلسفه و عرفان را برای رسیدن به مقام فنای در حق، می‌خواست. (آداب الصلاه) (آداب نماز) ص ۲۵۳
از همین جهت بود که وی با برگشت دادن حکمت نظری به حکمت عملی، هیچگاه ادای صوفیانه معمول را درنیامورد و تظاهر به دینداری نکرد و از زهدفروشی و خودنمایی و ریاکاری و امثال آن بیزاری می‌جست و بر خلاف آن، به تمیزی و شیک بودن ظاهر خویش بر اساس آموزه دینی «النظافة من الایمان» در کنار صفای باطن، اهمیت ویژه می‌داد که در خیلی از کتاب‌های خاطرات دوستان امام، این نکته به طور مکرر تذکر داده شده است.

هنوز که بیش از ۲۱ سال از ارتحال حضرت امام می‌گذرد مردم ما ارادتمند به امام هستند و چنانکه یادآور شدیم اکثرآ تا هنوز به تقلید از او باقی هستند و از تحریر الوسیله و رساله امام در حل مسائل دینی خویش، بیشترین استفاده را می‌برند. علاقه مردم افغانستان به امام را در حرم امام

خمینی روزانه در قالب زائران وی می توان مشاهده کرد.

این پیوند عمیق و ناگسستی، ریشه در اخلاص امام دارد. به هر میزانی که انسان به خدا مرتبط باشد، خالق هستی محبت او را در دل‌های مردم قرار می‌دهد. سعه صدر و ظرفیت بالایی که امام داشت و در حال تبعید و پیروزی به ظاهر امام تغییر احساس نمی‌شد، و صدها صفت برجسته دیگر از عوامل تأثیر شخصیت امام بر دل‌های میلیون‌ها انسان خداجو می‌باشد. این محبت ریشه در اعماق وجود مردم دارد که با گذشت سال‌ها از درگذشت و رحلت امام همچنان سرشار و برازنده باقی است.

امام خمینی و حمایت از مبارزات ملت افغانستان

امام خمینی در مناسبت‌های مختلف در پیام‌ها و سخنرانی‌های خود به جهان اسلام نیرو و امید بخشیدند و حکومت‌های دست‌نشانده و مزدور و عیاش را عامل عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی می‌دانستند. (صحیفه امام ج ۱۳/۲۸۳- ج ۴/۴۹۱).

امام، مردم افغانستان را به لحاظ همسایگی و مسلمان بودن برادر می‌خواندند. (همان ج ۵/۳۸۶)

امام، دخالت شوروی در افغانستان و کشتار مردم را محکوم کردند. (همان، ج ۸/۹۵)

ایشان در یکی از پیام‌هایشان خطاب به سفیر شوروی در ایران در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۵۸ به صراحت از شوروی می‌خواهد که در افغانستان دخالت نکند. امام با تأکید به اسلامی بودن جنبش مردم افغانستان علیه حکومت کمونیستی و در رد اظهارات سفیر شوروی مبنی بر وجود جنبش ضد انقلابی در افغانستان می‌فرماید: معلوم می‌شود که شما از اوضاع افغانستان خیلی اطلاع ندارید. من به طور کلی بگویم کسانی که در ایران و افغانستان اعمالی به اسم کمونیست انجام می‌دهند به نفع شوروی نیست. گرچه اعتقاد من این است که کمونیست‌هایی که در ایران هستند روابطشان با امریکا بیشتر است. در افغانستان حکومت فعلی فشار زیادی به نام کمونیست به مردم وارد می‌آورد؛ و به اطلاع ما رسیده که حدود پنجاه هزار نفر از مردم در افغانستان کشته شده‌اند؛ و علمای اسلام را در آنجا دستگیر کرده‌اند. اگر «تره کی» همچنان به راه خود ادامه دهد، سرنوشتش سرنوشت محمد رضا خواهد بود، و من میل ندارم که کشورهای اسلامی روابطشان با شوروی غیر حسنه شود. (صحیفه امام، ج ۸/۱۱۴).



□ در ادبیات امام خمینی واژه ظلم بیش از هزار و سیصد بار به کار رفته است و امام خمینی بر بیزاری از ظلم و ظالم سخن گفته است

□ سعه صدر و ظرفیت بالایی که امام داشت و صدها صفت برجسته دیگر از عوامل تأثیر شخصیت امام بر دل‌های میلیون‌ها انسان خداجو می‌باشد. این محبت ریشه در اعماق وجود مردم دارد که با گذشت سال‌ها از درگذشت و رحلت امام همچنان سرشار و برازنده باقی است

امام، گرفتاری‌های مردم افغانستان را گرفتاری خود می‌دانست. (صحیفه امام / ۹ / ۳۳۹) و برای نجات آنان از گرفتاری‌ها دعا می‌کرد. (همان: ۴۱۱).

امام، به سفیر شوروی گفتند: سرنیزه می‌تواند یک مردمی را سرکوب کند، بکشد. . . لکن نمی‌تواند مستقر باشد. . . نمی‌شود به خلاف میل ملت همیشه یک کاری را انجام داد. اگر. . . ملت مسلم باشد، حکومت کمونیست باشد، این نخواهد درست شد. (صحیفه امام ج ۱۲ / ۱۴)

سخنان امام خمینی امروزه در کشورهای چو تونس، مصر، یمن، لیبی، بحرین و. . . نیز معنای خاصی پیدا کرده است و یک جنبش مردمی علیه دیکتاتوری و رژیم‌های سرکوبگر به وجود آمده و همه را سردرگم کرده است که نتیجه یکی پس از دیگری در جهت اراده و خواست ملت‌ها خواهد شد. خواست مردم فتح می‌گردد و سرکوب‌گران با بار مشکل سنگین از خون مردم حق‌طلب و آزادی‌خواه طعم شکست ذلت بار را می‌چشند. سخن امام خمینی که ده‌ها سال قبل ایراد گردیده است همچنان راهنما، پویا و رهگشا در برابر مردم آزاده جهان است و این معنای سخن نغمه امیرالمؤمنین (ع) است، که فرمود:

«العلما باقون ما بقى الدهر اعيانهم مفقودة و امثالهم فى القلوب موجودة». (نهج البلاغه،

کلمات قصار / ۱۳۹ ص ۴۳۳). امام علی (ع) خطاب به کمیل بن زیاد، از یاران با وفایش می‌فرماید: علما باقی و جا دیدند تا دهر باقی است؛ بدن‌های آنان مفقود می‌گردد اما آثار آنان همچنان در قلب‌ها

باقی است. امام خمینی از مصادیق بارز این کلام امیرالمؤمنین (ع) است، زیرا وی هم عالم به علوم نقلی است و هم استاد و صاحب نظر در علوم عقلی است. وی کسی است که بین برهان و عرفان و قرآن جمع کرده و هم اهل حقیقت است و هم اهل طریقت و هم اهل شریعت؛ زیرا امام خمینی پیرو خاتم پیامبران (ص) است که فرمود: «الشريعة اقوالی والطريقة افعالی و الحقیقة احوالی»؛

شریعت گفتار من، طریقت افعال من و حقیقت احوال من می باشد. (احسانی، عوالی اللئالی / ۴ / ۱۲۴)

امام خمینی شخصیتی بود که به گفتار پیامبر (ص) عمل می کرد هم به کردار آن حضرت تمسک داشت و هم حالت های معنوی و عرفانی و نیز زندگی عرفی پیامبر (ص) برایش چراغ راه بود. از نظر امام خمینی، پیامبر اکرم (ص)، حقیقت والایی است که حقیقت نبوت در وجود نوری و ملکی آن حضرت، خلاصه می شود. به تعبیر امام، پیامبر خاتم (ص)، تنها یک عرب معمولی نیست و کسی است که حتی سبزیجات هم بدون اجازه او رشد نمی کند. (اردبیلی، تقریرات فلسفه امام خمینی (ره)، ۳ / ۵۴۰).

امام خمینی و پیوند عمیق با برخی شخصیت های تأثیرگذار افغانستان



از آنجا که مبارزات امام خمینی در راستای مبارزات پیامبر اکرم (ص) و اولیای الهی شکل گرفته و او با الهام از آموزه های دینی و پیام های قرآنی وارد مبارزه با مظاهر ستم گردیده بود، شخصیت های بسیاری در گوشه و کنار جهان با آرمان های امام، احساس همدلی و همراهی می کردند. شخصیت های کشور افغانستان نیز که همزمان با مبارزات امام خمینی و سال های تبعید وی با حکومت کمونیستی و ارتش سرخ شوروی سابق در حال مبارزه بودند، احساس همنوایی و همدردی با

امام داشتند که از جمله آنان می‌توان به پیوند عمیق شهید عبدالعلی مزاری با امام خمینی اشاره کرد. شهید مزاری به عشق پیوستن به مبارزات امام خمینی، کشور و زادگاه خویش را ترک گفت و راهی کشور ایران گردید که در آن زمان امام در نجف اشرف بود و شاه بر ایران حکومت می‌کرد.

پیوند امام و شهید مزاری

پیوند امام با رهبران جهادی افغانستان و برجسته‌ترین شخصیت‌های جهادی آن کشور بر کسی پوشیده نیست و این پیوند در سطح بالا و تأثیرگذار قطعاً روابط امام با بدنه جامعه مسلمان و بخصوص شیعیان افغانستان را نیز در پی داشت. آنان از طریق علمای دینی که هم رهبران مذهبی آنان و هم رابط میان مردم و امام خمینی به عنوان مرجع تقلید آنان بودند با حضرت امام ارتباط داشتند. شهید مزاری یکی از آنان است که وکیل مستقیم امام در امور مذهبی و مسائل و جوهات شرعیه بخشی از شمال افغانستان بود. متن اجازه‌نامه امام به شهید مزاری در پی می‌آید:

«بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين. و بعد، جناب ثقة الاسلام آقای آقا شیخ عبد العلی مزاری که مدتی از عمر خود را در حوزه مقدسه علمیه قم صرف تحصیل علوم دینیه نموده‌اند، از طرف این جانب مجازند در اخذ وجوه شرعیه از قبیل زکوات و مظالم عباد؛ و نیز مجازند در اخذ سهم مبارک امام- علیه السلام- و سهم سادات عظام و صرف آن در میان مستحقین محل که قصد مسافرت و سکونت آنجا را دارند که عبارت است از منطقه «مزار» و «چهار کنت» و «دره یوسف» و «پشتوند» و «دهنه غوری» از فرمانداریهای توابع بلخ افغانستان. و امید است کمال احتیاط را در اخذ وجوه و صرف آن بنمایند. از خدای تعالی موفقیت ایشان را مسألت دارم. و السلام علیه و علی اخواننا المؤمنین.

به تاریخ ۹ شعبان ۱۴۰۰ [برابر با ۱ تیر ۱۳۵۹]

روح الله الموسوی الخمينی». (صحیفه امام/ ۱۲ / ۴۵۳)

این اطمینان امام به شخصیت‌هایی چون شهید مزاری که بر خاسته از دل جامعه مظلوم و ستم کشیده آن کشور بود، بر اثر مجذوبیت شخصیت آن شهید در وجود و آرمان‌های بلند امام خمینی

متجلی است. ما این پیوند را از چند شخصیت مطرح در جمهوری اسلامی ایران که بعضاً در زندان اوین با شهید مزاری ملاقات داشته‌اند مستند می‌نماییم. زندانی که تنها دلیل آن پیوند شهید مزاری با امام است. اما قبل از نقل قول آنان این نکته قابل یادآوری است که شهید مزاری به عشق دیدار امام خمینی زادگاهش را در مزار شریف افغانستان ترک گفته، به حوزه علمیه قم وارد می‌شود و دلش برای دیدار امام پر می‌زند و تصمیم می‌گیرد از نزدیک امام را ببیند و آهنگ سفر به سوی نجف اشرف می‌نماید تا در کنار حرم اولین مظلوم عالم امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) با وی دیدار نماید. او با این عشق وارد نجف می‌شود و حدود چهار ماه همراه با امام خمینی بوده و در شخصیت او ذوب می‌گردد و از بیانات ایشان پیرامون حکومت اسلامی که امام تئوری عملی آن را تحت عنوان حکومت اسلامی در نجف ارائه نمود، استفاده می‌کند. نکته جالب توجه آن است که امام، در وجود شهید مزاری همان زهد و عدم وابستگی به زخارف دنیا را که خود داشت، در می‌یابد و این نکته را یکی از همراهان شهید مزاری که از مزار شریف افغانستان تا قم و نجف اشرف همراه شهید مزاری بوده نقل می‌کند. وقتی شهید مزاری وارد نجف می‌شود در اولین دیدار مقداری وجوهات شرعی را که معمولاً مردم متدین افغانستان برای امام خمینی به عنوان مرجع تقلید فرستاده بودند تقدیم امام می‌کند و طبق معمول امام با توجه به وضعیت غربت شهید مزاری و این که جای پای در نجف نداشته، مبلغی را به او بر می‌گرداند اما شهید مزاری این وجه را قبول نمی‌کند و می‌گوید: من تا هنوز سهم امام استفاده نکرده‌ام و بایم به من سفارش کرده که از آن استفاده نکنم و مخارج را او شخصاً برایم برساند. امام از این برخورد شهید مزاری تعجب می‌نماید و سؤال می‌کند واقعاً تا هنوز از سهم امام استفاده نکرده‌ای؟! که از سوی شهید مزاری تصدیق می‌شود و این یکی از نکته‌هایی است که باعث پیوند عمیق امام خمینی و شهید مزاری می‌گردد. امام هم دنبال چنین نیروهای مخلص و هدفمند و به دور از زخارف دنیاست و همین جرعه اول باعث می‌شود که امام به ایشان اعتماد کند و در مسائل حاد سیاسی او را به عنوان پیام‌رسان و محرم اسرارش قرار دهد و به او نیابت بدهد. شهید مزاری نیز که وجودش مملو از عشق خدمت به مظلومان و نفرت از ظالمان و ستم‌پیشگان بود، از این طرح علی‌رغم خطر جدی آن استقبال می‌کند

و کتاب‌های امام خمینی مانند حکومت اسلامی و... را که در آن روزها مساوی بود با خطر از دست دادن هستی و جان‌ش در سال ۱۳۵۵ به مقصد ایران و افغانستان حمل می‌کند اما توسط دستگاه ساواک و پلیس محمد رضا شاه دستگیر و به زندان اوین و شکنجه‌گاه رژیم پهلوی منتقل می‌گردد. حمل کتاب‌های امام آن هم حکومت اسلامی که اساس نظام شاهنشاهی را نشانه رفته بود، از نظر نظام شاهنشاهی جرمی سنگین محسوب می‌شد که خشم رژیم پهلوی را بر می‌افروزد. البته این نکته راز دیگری نیز دارد و آن پیوند عمیق بین رژیم پهلوی و رژیم مشابه آن در افغانستان یعنی نظام ظاهر شاهی است که در عیاشی‌ها و ستم‌ها همانند هم و در ارتباط بودند.

مروری بر خاطرات برخی از شخصیت‌ها در پیوند امام و شهید مزاری

علاءالدین بروجردی

از نظر او یکی از مزایای شهید مزاری در میان دیگر رهبران شیعی جهادی افغانستان، حضور وی در صحنه‌های انقلاب اسلامی ایران و ارتباط وی با حضرت امام و فداکاری او در این راه بود تا آنجا که منجر به دستگیری و زندان‌های طولانی او شد. وی می‌گوید:

«مزاری به رغم این که یک افغانی [افغانستانی] بود و به راحتی می‌توانست از زیر بار شکنجه‌های وحشتناک ساواک شانه خالی کند و خود را رها نماید در زندان‌های ساواک مردانه مقاومت نمود و شدیدترین شکنجه‌ها را تحمل کرد به گونه‌ای که آثار این شکنجه برای همیشه در سیمای مردانه‌اش [به] عنوان یک سند افتخار زندگی مبارزاتی‌اش باقی ماند.» (شاهد یاران، شماره ۵۹ / ۶۱)

اسدالله بادامچیان و حکایت دیدار در زندان اوین با شهید مزاری (ره)

ایشان هم حکایت عشق مزاری به امام را از قالب زندان اوین حکایت می‌کند و از رابطه معنوی و مستحکم او با امام می‌گوید، رابطه‌ای که با وحشیانه‌ترین رفتار ساواک هم خلی و لو اندک نمی‌بیند بلکه مستحکم‌تر می‌شود و این رابطه غیر مادی و در مسیر رضایت الهی است.

وی می‌گوید:

«من با شهید مزاری، این طلبه جوان در سال ۱۳۵۵ در بند دو زندان اوین آشنا شدم. او

هم سلول شهید حجت‌الاسلام والمسلمین حقانی از شهدای هفتم تیر بود من ... در رفت و آمد به اتاق او متوجه شهید مزاری شدم و ویژگی‌های او مرا جذب کرد. در اولین دیدار از او پرسیدم کیست؟ و چرا به زندان افتاده است؟ او شرح داد که از هزاره‌های افغانستان است. پرسیدم چرا دستگیر شده است؟ با لبخندی آرام جواب داد که چند کتاب مضله داشته‌ام!». (همان).

البته این لبخند آرام علی‌رغم شکنجه‌های ساواک، نشان از عمق پیوند شهید مزاری با امام راحل دارد که به نظرش ارتباط وثیق معنوی با امام ارزش تحمل چنان شکنجه‌ها را دارد. آقای بادامچیان با اذعان به دیدار و همراهی شهید مزاری با امام خمینی در نجف اشرف، می‌گوید:

«البته شهید مزاری درباره دیدارش با امام خمینی (ره) و سفر به عراق چیزی نگفت». (همان) پیداست که پیوند امام و امثال شهید مزاری از رنگ و بوی الهی و معنوی برخوردار است که نوعاً به دوراز هیاهو و در بوق و کرنا کردن و صرف برای انجام تکلیف صورت می‌گیرد. چنانکه آقای بادامچیان می‌گوید:

«بیش از آن که درس‌ها او را جذب کند، خیزش اسلامی و روحیه انقلابی حوزه و ... که بر اثر نهضت امام پدید آمده بود او را مجذوب نموده بود و به علت همین آگاهی به قم سفر کرد و تا سال ۱۳۵۴ در حوزه علمیه قم درس خواند سپس به عشق زیارت امام به عراق رفت. در مدت چهار ماهی که در عراق به سر برد امام او را متحول ساخت و از همان جا ... با کتاب حکومت اسلامی (بیانات امام درباره حکومت اسلامی) و چند کتاب دیگر از مرز عراق به ایران آمده بود که بعداً در قم دستگیر شد و به اوین انتقال داده شد». (همان).

وی در ادامه می‌گوید: «او را به شدت شکنجه داده بودند. می‌خواستند ارتباطات او را با امام و مبارزین بدانند. اما او با مقاومت جدی هیچ اعترافی به ساواکی‌ها نداد و به ناچار پس از گذشت چهار ماه زندان، او را تحت الحفظ به مرز برده به افغانستان فرستادند که در ایران نماند». (همان).

کسانی که امام را با ارتباط حقیقی دریافته بودند به هیچ رو او را فراموش نمی‌کردند. مزاری نیز از همین دسته انسان‌های مخلص امام بود. آقای بادامچیان از حضور شهید مزاری در روزهای



□ امام، گرفتاریهای مردم افغانستان را گرفتاری خود می‌دانست و برای نجات آنان از گرفتاریها دعا می‌کرد

□ امام خمینی در مناسبت‌های مختلف در پیام‌ها و سخنرانی‌های خود به جهان اسلام نیرو و امید بخشیدند و حکومت‌های دست‌نشانده و مزدور و عیاش را عامل عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی می‌دانستند

اولیه پیروزی انقلاب اسلامی در مدرسه رفاه حکایت می‌کند که به قول او سریع و چابک از مرز گذشته و خود را به مدرسه رفاه تهران رسانده بود. بدیهی است که حضور شهید مزاری بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حکایت از علاقه مستدام وی به امام خمینی دارد که علاقه و پیوندی از جنس الهی و در راستای اهداف بلند امام و مزاری می‌باشد. زیرا هدف و آرمان یکی است و آن نجات از یوغ بیگانه و رسیدن به آزادی و استقلال در زیر چتر دستورات الهی و در مسیر رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) است. همین اهداف است که همه موانع را از سر راه مزاری بر می‌دارد و او را به قرار گاه امام (مدرسه رفاه تهران) می‌رساند.

حکایت پیوند امام و شهید مزاری از زبان محسن رفیق دوست

ایشان همانند آقای بادامچیان از آشنایی خود با شهید مزاری در سال ۱۳۵۵ در زندان اوین حکایت می‌کند که به نوعی حکایت از پیوند امام و شهید مزاری است و از دیدن طلبه‌ای در کنار شهید رجایی سخن می‌گوید و نیز از همراهی او در زندان با آقای هاشمی رفسنجانی حکایت می‌کند و می‌گوید: "شهید مزاری را بسیار شکنجه داده بودند... آثار شکنجه و داغ سیگار در صورت و پاهای او به وضوح مشاهده می‌شد و تعریف می‌کرد که به خاطر حمل جزوات و نوار و اعلامیه‌های حضرت امام او را گرفته‌اند و او از شدت شکنجه‌ها شکایت نداشت." (همان: ۶۳).

در ادامه ایشان یکسری صفاتی از شهید مزاری حکایت می‌کند که تداعی‌کننده آن ویژگی‌ها در امام است؛ یعنی پیوند امام و شهید مزاری چنان عمیق بوده که ویژگی‌های مشترک آنان همانند

ستم‌ستیزی، تدین، تقید شدید به مسائل مذهبی و ایستادن به مسائل اصولی، نماز شب، روزه‌های مستحبی و زیاد قرآن تلاوت کردن (همان) ویژگی‌ها و صفاتی است که دربارهٔ امام نیز به طور مکرر حکایت شده است (ر.ک: پا به پای آفتاب دورهٔ ۶ جلدی) و نیز سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی.

شهید مزاری به روایت آقای مسیح مهاجری

ایشان هم در ضمن حکایت از پاکی خانوادگی و تدین شهید مزاری به عدم استفاده شهید مزاری از شهریه معمولی و سهم امام اشاره می‌کند و ایشان را شخصیت مقاومی معرفی می‌کند که در برابر اعتقادات خود هرگز انفعال و عقب‌نشینی نداشته و «جبل راسخ» بود. (همان/ ص ۶۲ - ۶۳).

نگارنده به عنوان طلبه و محصل علوم دینی، سال‌ها در کشور افغانستان و در بخشی از ولایت (استان) غزنی، شاهد بودم که مردم بعد از نماز شعار می‌دادند و دعا می‌کردند: خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار، از عمر ما بکاه و به عمر او بیافزا.

امام خمینی شخصیت تأثیرگذاری بود که از نگاه فطری مرزها را درنوردیده و به قلب‌ها حکومت می‌کرد، چنانکه خود نیز از حکومت صدر اسلام بر قلب‌ها به عنوان یک الگوی یاد می‌کند (صحیفه امام، ج ۱۴ / ۱۸۰). و انگیزهٔ بعثت را حکومت خدا بر دل‌های بشر معرفی می‌نماید. (همان/ ۳۹۳).

بنابراین، آموزه‌های دینی است که پای‌بندی امام به آن آموزه‌ها او را محبوب القلوب قرار داده است، محبوبیتی که هیچ مرز جغرافیایی و سیاسی نتوانسته است مانع گسترش آن گردد. دل‌داده‌ها هم‌زمان به سوی دوست کوچ می‌کنند

امام خمینی در ۱۴ خرداد ماه ۱۳۶۸ شمسی و سومین ماه از فصل بهار، به دیدار حق شتافت تا زندگی جاوید و لقاء پروردگار را در فصل رویش گل‌ها و اوج حیات مجدد طبیعت تجربه نماید. چرا که در بینش و مکتب جامع امام خمینی، رفتن از دنیای پرماجرا، آغاز زندگی واقعی و شروع حیات طیبه است. کسی که «با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا» (صحیفه امام/ ۲۱ / ۴۵۰) پرواز می‌کند آن فصل، فصل بهار و آغاز زندگی و فصل رویش کارهای خیری است که در زندگی اش کاشته است، آغازی است برای دیدن ثمرات تلاش



□ یکی از مزایای شهید مزاری در میان دیگر رهبران شیعی جهادی افغانستان، حضور وی در صحنه‌های انقلاب اسلامی ایران و ارتباط وی با حضرت امام و فداکاری او در این راه بود تا آنجا که منجر به دستگیری و زندانهای طولانی او شد

□ شهید مزاری را بسیار شکنجه داده بودند... آثار شکنجه و داغ سیگار در صورت و پاهای او به وضوح مشاهده می‌شد و تعریف می‌کرد که به خاطر حمل جزوات و نوار و اعلامیه‌های حضرت امام او را گرفته‌اند و او از شدت شکنجه‌ها شکایت نداشت

عارفانه ای که در دل شب با الهام از مکتب پیامبر (ص) و امام علی علیه السلام، انجام داده است و فصل قرار گرفتن در زیر سایه فرح بخش درخت‌های تنومندی است که از باران حیات آفرین رازهای شبانه امام سبز شده‌اند.

از تصادفات جالب بین امام خمینی و یادگار گرامی اش سید احمد خمینی و شهید عبدالعلی مزاری عروج آن‌ها در فصل رویش لاله‌ها و بهار طبیعت است؛ بین شهادت مزاری و درگذشت سید احمد خمینی بیش از دو روز فاصله نیست؛ مزاری در ۲۲/ ۱۲/ ۱۳۷۳ به دست متحجرترین افراد و ناجوان مردانه در حال اسارت با شکنجه‌های قرون وسطایی گروه طالبان به شهادت رسید و رحلت نابهنگام مرحوم سید احمد خمینی، دو روز بعد در همان سال اتفاق افتاد. گویا تقدیر چنین بود که پیوند عمیق شهید مزاری و خاندان امام جاودانه شود. تاریخ چنان ورق خورد که میلیون‌ها انسان عزادار با برافراشتن عکس‌هایی از شهید مزاری و سید احمد خمینی پیوند مزاری با خمینی را به جهانیان نشان دادند و این‌گونه اعلام کردند که آن‌ها در کنار هم و باهم هستند و راه‌شان یکی است که همان صراط مستقیم الهی است و برای فقدان هردو اشک ریختند و همزمان از هردو تجلیل‌های به یادماندنی نمودند که در تاریخ افغانستان بی‌سابقه بود و این پیوند و هماهنگی برای سال‌های بعد ادامه پیدا کرد و هر سال مردم متدین و آزادی‌خواه افغانستان و پیروان شهید مزاری همزمان در سوگ آن شهید و یادگار امام راحل، می‌نشینند و از همگونی شخصیت آن بزرگواران

و همسویی شان با امام خمینی سخن می گویند؛ چرا که صفات برجسته ای چون شجاعت، ایستادگی بر سر اصول، الهام گیری از مکتب اسلام ناب، در زیست شخصی و زندگی اجتماعی، ساده زیستی، آزاد اندیشی، آزادگی، رها بودن از قید و بند زخارف دنیا، فقط رضایت خدارا در نظر داشتن و فقط از او خشیت نمودن، انس زیاد با قرآن، ظلم ستیزی و مظلوم پروری، جدی بودن در برابر زور گویان و خاضع بودن در برابر مظلومان و توده مردم و صدها صفات برجسته انسانی، از نکات اتصال بین امام خمینی و یادگار ارجمندش با شهید مزاری بود که تقدیر نیز عاقبت کوچ کردن آنها از دنیای فانی را در فصل بهار، رقم زد، تا باهم تجلیل کردند و همه ساله پیوند شخصیتی و اخلاقی آنان باعث استحکام پیوند دو ملت برادر ایران و افغانستان گردد که این خود از عاقبت بخیری آنان حکایت دارد. نکته این است: زمانی شهید مزاری به یاری و همکاری با امام شتافت و زادگاهش را ترک کرد که کسی پیروزی های بعدی امام را باور نداشت. آن زمان، امام در تبعید گاه نجف اشرف به سر می برد و محمد رضا شاه در ایران حاکم مطلق بود، چنانکه قبلاً یادآور شدیم، شهید مزاری تا زندان و شکنجه های آن چنانی دستگاه ساواک، امام را همراهی کرد؛ زیرا او نیز همانند امام از شم سیاسی بالا و ایمان قوی به پیروزی حق بر باطل، برخوردار بود. و این نکته را در شکستن روحیه دیکتاتوری در افغانستان عملاً نشان داد. او نه تنها از حقوق شیعیان مظلوم آن کشور دفاع کرد و باخونش درخت عدالت خواهی را برای اولین بار در افغانستان به طور موفق آبیاری نمود بلکه همه ملیت های محروم کشور را جرئت و جسارت حق خواهی و عدالت طلبی بخشید و نماد وحدت در کشور شد. همان گونه که امام خمینی، علیرغم ناباوری ها، دست از مبارزه باستم و بیداد نکشید و در نتیجه دنیا را اساساً متحول کرد. از این جهت است که باید یاد و نام آنان باهم و در کنار هم زنده بماند و باهم تجلیل گردند؛ زیرا آرمان و مرام واحد داشتند.

جنگ های تحمیلی بر مزاری و یارانش در سالگرد ارتحال امام خمینی

با پیروزی مجاهدین افغانستان و آغاز حاکمیت آن ها که مزاری نقش اصلی را در آن بازی کرد. (شاهدیاران، شماره ۵۹/۱۴) تمامیت خواهانی که تاب تحمل درخشش مزاری و شیعیان را نداشتند



□ مزاری در ۲۲/۱۲/۱۳۷۳ به دست متحجرترین افراد و ناجوانمردانه در حال اسارت با شکنجه‌های قرون وسطایی گروه طالبان به شهادت رسید و رحلت نابهنگام مرحوم سید احمد خمینی، دو روز بعد در همان سال اتفاق افتاد. گویا تقدیر چنین بود که پیوند عمیق شهید مزاری و خاندان امام جاودانه شود

و از کوزه وهابیت آب می خوردند، دست به جنگ افروزی زدند. در حالی که حزب وحدت اسلامی به رهبری شهید مزاری در شامگاه دوازدهم جوزا (خرداد) ۱۳۷۱ در تدارک برگزاری مراسم سالگرد امام خمینی در کابل بودند، دشمنان عدالت و عدالت خواهی جنگ‌های خونینی را براو و شیعیان مظلوم و ستم سوز غرب کابل، تحمیل کردند. پس از آن نیز هر چند مدت یک بار جنگ خونینی بر مردم شیعه هزاره که در غرب کابل سکونت دارند تحمیل شد. از سوی دیگر در ۲۲ بهمن همان سال و همزمان با برگزاری مراسم سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران، توطئه دیگری به منظور براندازی مرکزیت حزب وحدت و به شهادت رساندن مزاری از طرف عوامل بیگانه به اجرا گذاشته شد و در نتیجه آن، فاجعه خونین محله «افشار» به وقوع پیوست». (شاهدیاران/۵۹/۱۴) قتل عام مردم مظلوم هزاره و شیعه بدست نیروهای شورای نظار رقم خورد و بازتاب جهانی پیدا کرد. این‌ها همه نشان از این مطلب دارد که پیوند شهید مزاری با امام بسیار عمیق و مبنایی بوده است و دشمنان نیز آنرا درک کرده بودند. و این حرف احمد شاه مسعود پس از شهادت شهید مزاری معروف است که گفت: «مزاری می‌خواست غرب کابل را جنوب لبنان بسازد، ولی من نگذاشتم».

نمونه ای از انصاف و سنت شکنی امام در نجف

یکی از مسائلی که در کارنامه امام در نجف اشرف، می‌درخشد، سد شکنی امام در نحوه پرداخت تبعیض آمیز شهریه به طلاب بود. رویه قبل از امام طوری بود که به طلاب ایرانی بیشتر از طلاب غیر ایرانی شهریه تعلق می‌گرفت. امام با این رویه مخالف بود و به پرداخت یکسان شهریه اقدام کرد، چنانکه سید محمود دعایی که از همراهان امام در نجف بود می‌گوید:

«در نجف مرسوم بود که طلاب غیر ایرانی را طلاب درجه دوم به حساب می آوردند! و مثلاً به طلاب افغانی [افغانستانی] نصف شهریه طلاب ایرانی را می پرداختند. . . امام این سیاست را برنتابیدند و از همان اول که تصمیم گرفتند شهریه بدهند، ایرانی و افغانی [افغانستانی] و هندی و عرب، همه یکسان شهریه می گرفتند. این سنت شکنی امام بود.» (دعایی، مجله یادآور، ۱/ ۶۴-۶۵)

این اقدام، آن هم در مرکز بزرگ حوزه علمیه نجف-که امام با منش ویژه خود ملاحظه بزرگان را هم داشته است - محبوبیت امام را بیشتر می کند، بخصوص طلاب افغانستانی که از این سنت رنج می بردند، مانند شمع اطراف امام را گرفتند، مانند آیت الله شیخ محی الدین فرقانی.

(سجادی سر پولی، شاهد یاران / ۶/ ۶۴) و شهید سید حسین حسینی. (همان / ۳۵)

دیدار شهید بلخی با امام خمینی در نجف اشرف

از شخصیت های تأثیر گذار افغانستان که سالیان طولانی عمر خویش را در زندان ستم شاهی دهمزنگ کابل سپری کرد، شهید سید اسماعیل بلخی است وی، هم با شهید مزاری رابطه نزدیک و هم فکری داشته و هم با امام خمینی، چنانکه یکی از علمای افغانستانی که در سال ۱۳۴۶، شاهد ملاقات امام و شهید بلخی در نجف اشرف بوده است این ملاقات را جدی و ناشی از صمیمیت خاص توصیف می کند، طوری که حدود چهار ساعت آن ملاقات به طور خصوصی سامان یافته است و در جمع علما و طلاب نیز صحبت کرده اند. (سجادی سر پولی، شاهد یاران / ۶/ ۶۴) وی در این زمینه می گوید:

«پس از ملاقات آیت الله العظمی خویی با علامه بلخی، به ما خبر رسید که حضرت آیت الله العظمی امام خمینی قصد دارد ساعت ۱۴ روز بعد با علامه بلخی دیدار نماید. روز بعد در ساعت مشخص خبر دادند که امام خمینی همراه آیت الله شیخ محی الدین فرقانی که افغانی تبار و اهل هرات بود، به سوی منزل سید هاشم عالم زاده (مقر علامه بلخی) نزدیک می شود. طبق روال همیشگی، آقای فرقانی پشت سر امام راه می رفت. . . به هر حال عده ای از طلاب حاضر خیر تشریف فرمایی امام خمینی را به علامه بلخی بشارت دادند که ناگهان دیدیم چهره اش چون گل





شکفته شد. تبسم ملیحی بر لبانش نقش بست... می کوشید احساسات خود را پنهان نگه دارد... با طنین درد آلود و گلوی بغض آلود چنین گفت: «آری نمردم تا باز هم یار و ندیم رؤ یایی ام آقای سید روح الله موسوی خمینی را چون افسانه ملاقات کنم». . . همین که نظر علامه بلخی به امام خمینی افتاد، بدون تأمل با صدای رسا و آهنگ جذاب این شعر حافظ را خواند:

«بخت باز آید از آن در که یکی چون تو در آید روی میمون تو دیگر، در دولت بگشاید»

دو رهبر بزرگ شیعه و دوسیاست مدار برجسته همدیگر را به آغوش گرفتند. «(سجادی، پیشین، ۶) ایشان از دیدار خصوصی و محرمانه چهار ساعته امام خمینی و علامه بلخی که به سفارش امام به طور خصوصی برگزار گردید، یاد می کند و این دیدار را باعث تحول مبارک و گشودن دنیای دیگر برای علامه بلخی معرفی می نماید. (همان/ ۷)

در این دیدار، امام خمینی از قیام شهید بلخی علیه ظاهرشاه و ستم های دستگاه وی و ۱۵ سال زندانی شدن بلخی سوال می کند که شهید بلخی ضمن تأیید شکنجه ها و زندان ظاهر شاهی، وجود امام خمینی را در میان امت اسلامی مانند رسول الله (ص) معرفی نموده می گوید:

«در عصر حاضر وجود تان در میان امت، همچون وجود پیامبر اسلام است. اگر ما در راه

اسلام شهید شویم و شما زنده بمانید، دین زنده می ماند. حضرت امیر المؤمنین (ع) باید در بستر

پیامبر می خوابید، تا او زنده بماند». (سجادی سرپولی، پیشین/ ۷)

تشبیهات شهید بلخی از امام خمینی و خودش به وجود مبارک رسول الله (ص) و امیر المؤمنین (ع) حاوی نکته های ظریفی است، از جمله:

۱. شهید بلخی از رفتار دستگاه ضد فرهنگی ظاهرشاهی به خوبی در یافته است که بدست عوامل ستم، به شهادت می رسد.

۲. جایگاه امام خمینی و آینده روشن پیروزی وی را با ذکاوت و هوش سرسارش به روشنی درک و پیش بینی می نماید؛ زیرا وی در ادامه اظهارات فوق، از پیروزی قریب الوقوع امام به دلیل بیداری و همراهی آگاهانه مردم با امام سخن می گوید.

۳. رابطه صمیمی و اهداف عالی و مشترکش را با امام خمینی در قالب نابترین ایثار، یاد آور می گردد که عبارت از خوابیدن حضرت علی (ع) در بستر پیامبر خدا در واقعه "لیلة المبيت" می باشد.

البته اهداف مشترک امام خمینی و علامه بلخی در سخنان بزرگانی دیگر نیز انعکاس دارد. چنانکه آیت الله سید محمد باقر شیرازی از علمای مشهد در باره اش می گوید: «آقای بلخی از جمله شخصیت های نادر و برگزیده و نسبت به اسلام و تشیع، بسیار فداکار و از جان گذشته بود. نهضت او شباهت زیادی به نهضت های جهانی اسلام، مانند مثل سید جمال الدین افغانی، مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی، آیت الله شهید سید حسن مدرس، شهید نواب صفوی و بالاخره نهضت امام خمینی (ره) داشت». (شاهد یاران، پیشین / ۳۸ - ۳۹)

رابطه امام و شهید بلخی از زاویه دیگر

امام خمینی مبارزه خود را در دو جبهه هماهنگ کرده بود به گونه ای که پیروزی خویش را در مبارزه علیه شاه و متحجران باهم می دانست. این مشکل در افغانستان نیز در برابر شهید اسماعیل بلخی و یارانش وجود داشت؛ هم ظاهر شاه همانند محمد رضاشاه بلکه بدتر از آن غرق در عیاشی بود که مبارزه علیه تفکر و اندیشه مردم، بخصوص شیعیان مخلص آن کشور را وجهه هم خویش قرار داده بود و هم متحجران دگم اندیشی بودند که سخنان و افکار بلند شهید بلخی را



□ علامه بلخی: آری نمردم تا باز هم یار و ندیم رؤ یایی ام آقای سید روح الله موسوی خمینی را چون افسانه ملاقات کنم

□ یکی از پژوهشگران، رژیم پهلوی و ساواک را همدست ظاهرشاه در به شهادت رساندن علامه بلخی معرفی می کند

نمی فهمیدند و در سایه الفاظ دینی علیه احیاگر دین ناب، مزاحمت ایجاد می کردند مثلاً بلخی در یکی از شعرهایش از بین پانزده هزار بیت شعرش می گوید:

« عزم من در قالب مذهب نگنجد ای رفیق مسلک پاک صراط المستقیم آیین من »

یکی از بستگان شهید بلخی روایت می کند که متأسفانه برخی از علمای شیعه و سنی، این افکار را درک نمی کردند و او را برخلاف دین و مذهب قلمداد می کردند. (حسینی، شاهد یاران / ۶۱)

به هرحال امام و شهید بلخی همانگونه که آرمان ها و اهداف یگانه و مشترک داشتند، دشمنان مشترک نیز داشتند. دستگاه شاهنشاهی و سلطنتی مورد نفرت امام خمینی بود. امام سلطنت را از ریشه، مساوی با استبداد، قلدری و دیکتاتوری می داند. (صحیفه امام / ۴ / ۳۸ و ۶۵ و ۱۸۱)

این دستگاه با دستگاه همانندش در افغانستان و با یک توطئه طراحی شده، شهید بلخی را در زندان دهمزنگ کابل مسموم می کنند، چنانکه یکی از پژوهشگران حوزه علمیه قم به این واقعیت اشاره نموده، رژیم پهلوی و ساواک را همدست ظاهرشاه در شهادت بلخی معرفی می کند. به گفته وی:

«با توجه به سابقه مبارزاتی سیاسی که [شهید بلخی] در ایران و افغانستان داشت و طرح هایی که برای آینده تدارک دیده بود، همه این ها از دید جاسوسان دولت های ایران و افغانستان پنهان نبوده است. دشمنان قطعاً به این نتیجه رسیده بودند که علامه بلخی در افغانستان، امام خمینی در ایران، شهید صدر در عراق، امام موسی صدر در لبنان در پی ایجاد یک نهضت بزرگ اسلامی

هستند». (علیپور، مجله شاهد یاران / ۶۴ / ۸۸ - ۸۹)

ایشان مسمومیت بزرگانی چون آخوند خراسانی در مسیر جهاد باروس ها، آیت الله سید حسن مدرس، شهید سید مصطفی خمینی و... را از این دست معرفی می کند و مسمومیت منجر به شهادت شهید بلخی را به خاطر مبارزه با ظالمان مستبد و همکاری او با امام خمینی می داند. (همان)

وقتی شهید بلخی طی ۱۵ سال تحمل رنج زندان بیش از پنج هزار بیت شعر عرفانی و حماسی می سراید و رنج های مسلمین و مسئله فلسطین و... را از درون زندان فریاد می کشد و با مشکلات آن را به بیرون از زندان می فرستد. (صدیقه بلخی / شاهد یاران، پیشین / ۸۰ - ۸۱) زمانی است که امام خمینی در ایران علیه دستگاه پهلوی دست به قیام زده است و با ستم و بیداد مبارزه می نماید. روی همین درد مشترک است که بلخی پس از آزادی از زندان بی درنگ راه نجف و قم را درپیش گرفته به دیدار مراجع از جمله امام خمینی می شتابد و پس از بازگشت از سفر خارج با یک توطئه به شهادت می رسد.

نتیجه و سخن پایانی

۱۴ جوزا (خرداد) یاد آور نام آشنای امام خمینی است که رحلت جانگدازش نه تنها ایرانیان، بلکه بسیاری از ارادتمندان و شیفتگان او را در اقصی نقاط جهان، داغدار نموده و هرسال از او تجلیل می نمایند و راه و مسیر و اهدافش را به عنوان چراغ راه برای عزت و آزادی و عدالت و احیای ارزشهای دینی و انسانی قرار می دهند و با الهام از سیره اش علیه مظاهر ستم و دیکتاتوری و انسانیت ستیزی دست به قیام می زنند. تأثیر گذاری بی بدیل امام خمینی مرهون شخصیت جامع علمی و عملی وی می باشد؛ زیرا وجه ممتاز امام از امثالش در همین جامعیت و نگاه جامع به مجموعه آموزه های دینی و الهی نهفته است. از جمله شیفتگان امام خمینی که هم از حادثه تلخ رحلت امام در سال ۶۸ به شدت متأثر گردیدند و تجلیل شکوهمندی از امام، انجام دادند، مردم متدین افغانستان بخصوص شیعیان مخلص آن کشور هستند که رابطه دوسویه بین آنان و امام مطرح بوده است، چه در قالب مرجعیت دینی و مقلدانش، چه در قالب مبارزات و دفاعیات امام از آنان

در برابر ارتش شوروی سابق و چه در قالب ارتباط وثیق امام با شخصیت های تأثیر گذار و جهادی و علمی افغانستان. در این مقاله ما فقط اشاره ای به ارتباط امام با شهید عبدالعلی مزاری و شهید سید اسماعیل بلخی و برخی از علمای افغانستانی همراه امام در نجف اشرف نمودیم که همه دارای اهداف مشترک در جهت تشکیل حکومت اسلامی بودند و دشمنان مشترک نیز داشتند.

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. احسانى، ابن ابى جمهور، عوالى اللآلى، قم، سيدالشهدا (ع)، ۱۴۰۵ ق.
۴. اردبیلی، عبدالغنی، تقریرات فلسفه امام خمینی (س)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۱.
۵. خمینی، روح الله، صحیفه امام، (مجموعه ۲۲ جلدی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۷۸.
۶. ---، دیوان امام: سروده های حضرت امام خمینی (س)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ بیست و سوم، ۱۳۷۸.
۷. خمینی، سید علی، هفت بعد از شخصیت حوزوی امام خمینی، فصلنامه حضور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، شماره ۷۴، پاییز ۱۳۸۹.
۸. ساقی بزم شهود، آینه پژوهش، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ویژه نامه کنگره اندیشه های اخلاقی-عرفانی امام خمینی (ره)، شماره ۷۹، فروردین - اردیبهشت ۱۳۸۲.
۹. طباطبایی، فاطمه، فتوحات فقهیه، ولایت فقیه: سیاست آرمانی امام، فصلنامه حضور، ویژه نامه سی سالگی انقلاب، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷.
۱۰. ماهنامه شاهدیاران، بنیاد شهید و امور ایثارگران، دوره جدید، شماره ۵۹، مهر ماه ۱۳۸۹
۱۱. ماهنامه شاهدیاران، بنیاد شهید و امور ایثارگران، دوره جدید، شماره ۶۴، اسفند ماه ۱۳۸۹.
۱۲. ماهنامه یاد آور، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سال اول، شماه اول، خرداد ۱۳۸۷.